



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۸، شنبه خردادماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

# برضد امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

دارند. جوان اول از پله‌ها بالای رود. جمعیت خاموش می‌شود. جوان  
به پرچم گمی‌رسد، ضربدر بزرگ قرمزی روی آن می‌کشد و خروش مردم  
میدان را پر می‌کند.  
- آمریکا دشمن خلق ما...  
این تنها گوشه‌ای از نمایش عظیم ضد امپریالیسم است که پنجشنبه و جمعه،  
مردم ما طی آن خشم و نفرت خود را از این دشمن غدار خلق مایه همه جهان  
ابراز داشتند و عهد بستند که تا نابودی کامل آن از پای نمانند.  
دوروز گذشته، روزهای بزرگی بودند، که ملی‌ان خلق قهرمان مامشت  
بقیه در صفحه ۵

پرچم بزرگ آمریکا در میدان، زیر گرمای خردنامه افق را پرده کشیده  
است پای پرچم تاجش کار می‌کنند، سردم ایستاده‌اند. صدای پیچیده  
مردم این نفس ملتصیب، از سراسر شهر در هم گرم می‌خورد، فریاد می  
شود و در خیزش خود، ستاره‌های پرچم آمریکا، این ۵۳ ستاره‌ای را که در  
خون خلق مایه جهان متولد شده، از آسمان دروغین «حقوق بشر» گاز تر فرو  
می‌ریزد.  
جوانی از کنار میدان می‌آید، سطل بزرگی در دست دارد، مردم کوچک  
راه می‌دهند، بعد از او جوان دیگری است. نردبانی همراه دارمی‌آیند و کنار  
پرچم می‌ایستند. مردها و زن‌ها هجومی آوردند و نردبام را بر پا نگاه می‌



صحنه‌ای از تظاهرات ضد امپریالیسم آمریکا در تبریز

## در برابر دشمنان خارجی و داخلی ایران، باید متحد و همگام عمل کرد!

مداخلات خشن امپریالیسم آمریکا برای ایجاد تشنج و خرابکاری در  
امر انقلاب ایران، وارد مرحله تازه‌ای شده‌است. راهزنان آمریکایی  
با موضع‌گیری خصمانه خود علیه اهدام تبه‌کارترین کارکنان و  
منصف‌داران رژیم سرنگون شده سلطنت پهلوی، بار دیگر چهره  
کریه خود را به مردم ایران و سراسر جامعه ترقی‌خواه بشری نشان  
داده‌اند.

قطعنامه سنای آمریکا علیه تصمیمات قاطع دادگاه انقلابی،  
اقدامی است که برای تشویق کردن و دلگرم نگاهداشتن بازماندگان  
رژیم منقرض شده و کلیه عناصر ضد انقلابی و ترغیب آنان به  
ادامه و تشدید عملیات تبه‌کارانه و گسترش دامنه انواع توطئه‌ها  
و خرابکاری‌ها انجام گرفته است.

جهانگواران آمریکایی، که از سرنگونی رژیم دست نشانده  
خود دلی پرورد دارند، اکنون با تب و تاب تمام به توطئه و تسیس  
های شیطانی علیه مبین ما مشغولند. این راهزنان در داخل کشور  
همدستان فعال دارند، تکیه‌گام آنان نیز به‌طور عمده سرمایه‌داران  
و ایسته، عمال ساواک و وابستگان به رژیم گذشته هستند.

تجاوز کاران و مداخله‌گران آمریکایی، پس از شربت درهم-  
شکنی که خلق قهرمان ایران پرموضع آنان وارد ساخت، اکنون  
رفته رفته از حالت سراسمی خارج می‌شوند، دست و پای خود را  
جمع می‌کنند و برای بازسازی مواضع خویش در ایران آماده می‌گردند.

فعالیت امریمنی آنان روز بروز دامنه‌دارتر، شدیدتر و متنوع‌تر  
می‌شود و این امر نیروهای انقلابی کشور را، اهم از داشتن هرگونه  
عقیده و نظریه سیاسی و مسلکی و مذهبی و تعلق سازمانی، در برابر  
ضرورت مبارزه هرچه قاطع‌تر و پی‌گیرتر علیه امپریالیسم جهانی

به سرگردمی امپریالیسم آمریکا، و برای ریشه‌کن ساختن تمام نفوذ  
آن در کلیه شئون سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی  
ایران قرار می‌دهد، مبارزه برای لغو همه قراردادهای اسارت‌بار با  
آمریکا و در درجه اول قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا که القای  
آن به‌طرز حیرت‌انگیزی تا کنون انجام نگرفته است، و نیز اخراج  
بازمانده‌های مستشاران و کارشناسان آمریکایی از خاک کشور ما،  
کار ریشه‌کن ساختن نفوذ امپریالیست‌ها را تسریع خواهد کرد.

بلافاصله پس از پیش خیر صدور قطعنامه سنای آمریکا علیه  
اهدام فرومایگان جنایت‌کار رژیم استبداد پهلوی، موجی از خشم  
بقیه در صفحه ۴

## سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران باید سیاست ضد امپریالیستی باشد

در باره مصاحبه شگفت انگیز آقای دکتر یزدی، وزیر خارجه

قدرت ضد استعمار؛ یکی طرفدار اسارت  
ملل است، دیگری خواستار آزادی و  
استقلال آن‌ها؛ یکی خواستار حفظ  
بلوک بندی‌های نظامی است، دیگری  
پیشنهاد می‌کند که اتحادیه‌های نظامی  
تاتو و ورشو در یک زمان منحل شوند؛  
یکی زیرقیار انحصارهای اسلحه‌سازی،  
خواستار تسابق تسلیحاتی و خواستار  
تسبیح است؛ دیگری که از سابقه  
تسلیحاتی سودی نمیرد، خواستار خلع-  
سلاح، خواستار تسبیح زناهی و استقرار  
همزیستی سلامت آمیز است؛ یکی  
ضد انقلاب صادر می‌کند، دیگری  
از صدور ضد انقلاب ممانعت به عمل  
می‌آورد (چنان‌که در جریان انقلاب  
ایران مشاهده شد)؛ یکی دشمن جنبش-  
های آزادی‌بخش خلق‌ها است، دیگری  
دوست و متحد طبیعی آن‌ها غیره والا آخر.

ولی در توضیح سیاست عدم تمسک،  
وزیر خارجه مطالبی اظهار می‌دارد که  
تناقض آن‌ها آشکار است. وزیر خارجه  
عدم تمسک را عدم شرکت در درگیری-  
های ابر قدرت‌ها می‌داند، و سپس اضافه  
می‌کند، که «حفظ بی‌طرفی دولت ایران،  
بشکل فعال و مثبت است. نه بی‌طرفی  
غیرفعال، که باز با انزوا یکسانند».

وزیر امور خارجه، در آغاز مصاحبه،  
هدف سیاست خارجی دولت را تأمین  
استقلال ملل و استقرار حق حاکمیت  
ملی اعلام داشت و توضیح داد که  
درونی سبب از استقلال می‌گردد،  
منظور ما استقلال با تمام ابعاد آن، ام  
از استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی،  
فرهنگی و مالی است. همه این اساسی  
به گفته وزیر خارجه، یکی از ارکان  
سیاست خارجی ما عدم تمسک است. «تا  
اینجا، تأمین استقلال کامل و سیاست  
عدم تمسک، اساس سیاست خارجی دولت  
معرنی شده، که مایه خرسندی و مومرد  
حمایت هر ایرانی وطن‌پرست است.

### تناقض گویی وزیر خارجه

این دو تعریف، از یک سیاست  
واحد، با یکدیگر متناقضند، اگر قرار  
باشد که در درگیری‌های ابر قدرت‌ها  
(که اصولاً اصطلاح غلط و گمراه-  
کننده‌ای است) شرکت نکند، در آن  
صورت نمی‌توان، بی‌طرف فعال و مثبت  
بود. «ابر قدرت‌ها» در عرصه جهان بر  
سر مسائل با یکدیگر درگیرند که  
منافع و مسائل هر کشور جداگانه‌ای با  
آن مسائل ارتباط پیدا می‌کند. یک  
دایر قدرت استعمارگر است، یک دایر-

### وزیر خارجه چه میگوید

وزیر امور خارجه، در آغاز مصاحبه،  
هدف سیاست خارجی دولت را تأمین  
استقلال ملل و استقرار حق حاکمیت  
ملی اعلام داشت و توضیح داد که  
درونی سبب از استقلال می‌گردد،  
منظور ما استقلال با تمام ابعاد آن، ام  
از استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی،  
فرهنگی و مالی است. همه این اساسی  
به گفته وزیر خارجه، یکی از ارکان  
سیاست خارجی ما عدم تمسک است. «تا  
اینجا، تأمین استقلال کامل و سیاست  
عدم تمسک، اساس سیاست خارجی دولت  
معرنی شده، که مایه خرسندی و مومرد  
حمایت هر ایرانی وطن‌پرست است.

## چرا مهندس بازرگان بی‌پروا به حزب توده ایران تهمت و افترا می‌زند؟

### دشمنی لجاجت‌ناز با حزب توده ایران راه به جانی نخواهد برد

لجاجت در خصومت، تا جایی که مانع قضاوت عادلانه و روشن بینانه  
نشود، شاید در این‌جمله بتوان موضع‌نادرست و زیانمند آقای سهندس  
بازرگان را نسبت به حزب توده ایران خلاصه کرد.  
آقای بازرگان در این موضع‌گیری بی‌گیر هم هستند. بارها  
از نخست‌وزیر سؤال کردند که: در مورد قانونی بودن حزب توده  
ایران چه نظری دارد؟ ایشان مهربان، باسماجیتی که از یک رجل  
سیاسی مطلع بعید است، چه‌رسم به رئیس دولت جمهوری اسلامی  
ایران، به اصطلاح قوانین دوره طاغوت و به معنویات تا موجود  
زمان شاهنشاهی متوسل شده‌اند، تا برای خود بهانه‌ای برای تطبیق  
اظهار نظر در این مورد بترانند و ضمناً جای پای برای همه ضد  
توده‌ها نیز در آینده باز بگذارند.

## علاج کار، تهدید کارگران نیست

آخری آقای نخست‌وزیر، خطاب به  
کارگران تهرانی که با کارخانه‌های نجات بخش‌نامه‌ای  
صادر نموده در آن، ضمن اشاره به یک-  
کلیه در مؤسسات صنعتی، از یک سو به کسانی  
که موجب تحریک کارگران به یک سو کاری  
می‌نویسند، اعطای شده که به عنوان ضد  
انقلاب تحت‌بگرد قانونی قرار خواهند  
گرفت و از سوی دیگر به کارگران خواهد  
داده‌اند که در کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که  
دچار توقف و تعطیل شوند، پرداخت  
دستمزد و حقوق‌ها متوقف خواهد شد.  
دوشن است که در دوران گذار و  
سازندگی انقلاب، همه باید کمک کنند  
تا جراحی‌های اقتصادی کشور، هرچه فوری‌تر  
گردش مادی کشور را باز یابد و انقلاب  
شکوفا و بری از فقرات امپریالیسم و سرمایه  
بزرگ و وابسته است، بیار آید.  
بر این زمینه، همه اقدامات سنجیده  
قلع کنند، ای که در لحظه مبین تاریخی،  
بهرم کار رژیم شاه مخلوق انجامید، ویژه

دوران قبل از انقلاب بود و تکرار آن،  
به این یا آن شکل، در دوران پس از انقلاب،  
ناشیجه و زیان بخش است، زیرا مورد  
بهر برداری ضد انقلاب قرار خواهد  
گرفت و به انقلاب صدمه خواهد زد.  
اگر در گذشته، روحیه انقلابی آن  
برده می‌بایست با شرکت در اعصاب،  
اقتصاد وابسته رژیم طاغوتی را فلج کرد،  
در دوران پس از انقلاب، روحیه انقلابی  
آنست که با تمام نیرو به احیای اقتصاد  
علیل و اطلاق کونونی پاری رساند، خون  
تازه در آن دمید و به سالم سازی آن کمک  
کرد.  
اما برای تحقق این امر مهم، درست  
نیست که همه مسئولیت‌ها را فقط از کارگران  
بنخواهیم و گناه تعطیل و یا متوقف بودن  
مؤسسات تولیدی را فقط به گردن کارگران  
ببندانیم، در درجه اول دولت است که باید  
برای سالم سازی این اقتصاد درک و بیمار  
برنامه ریزی داشته باشد، که متأسفانه  
ندارد. دولت است که باید صدمات

بامبارزه متحد، توطئه مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا را عقیم سازیم

# رویدادهای ایران

## آمام خمینی گفتند: ربا بدترین نوع استعمار است

در انقلاب ایران، برای چندین بار در طول مدتی که از پیروزی انقلاب ایران گذشته یکی از مهم ترین مسائل اقتصادی ایران اشاره کردیم. حسی در دیدار با گروهی از اعضای هیئت موسس بانک اسلامی ایران گفت که دگرگونی پیرامون، امری بسیار خلاق انسان و اخلاق انسانیت است. به این معنا که پولی گذاشته شود، نه کاری نه چیزی، اما پول درآورد. در این نوع استعمار همان ریاست است که در مقابل هیچ بهره بگیرند و در اسلام به صورت این کار حرام است. بنابراین بانک اسلامی که بنیادش بر این باشد، که در کار نیاند، خدمت بزرگی است به اسلام و جامعه.

سرمان با انتشار پایان امام خمینی در باره ریاست بانک در ایران که بنیادش بر این است، در روزنامه هاباردیگر خبرهای مختلفی درباره کهنه سربازان لادکی در برهه وام مسکن و بطور کلی بهره ای که در بانک های ایران رایج است، چاپ شد. مایه متفکرانه که با اعلام سیاست اقتصادی دولت در جهت منافع ملی می باشد سیستم بانک ایران دگرگون می شود.

## شیوه جدیدی برای خبرنگاری

برخی از روزنامه ها و مجلات ایران که نظام به بیطرفی خود استقلاله هم می کنند، شیوه جدیدی برای خبرنگاری و شرح وقایع تاریخی ابداع کرده اند. که شاید در گزین گزینی نمونه داشته باشند. البته همیشه یادآور شویم که این شیوه روزنامه نویسی ابتکاری نیست در باره حزب توده ایران اعمال می شود. که خوب است انگیز است. بعنوان نمونه هرگاه شرح حال یکی از همزمانان حزب توفان ایران را می خواهند بنویسند، وابستگی او را به حزب توده ایران عمدا فراموش می کنند و با اصلاح خود را به آن راه می زنند و هرگاه بویت به یکی از خود رخنگان و فریبکاران پشت کرده به حزب توده ایران می رسد، با آب و تاب از وابستگی او به این حزب یاد سخن می دهند.

بعد همان دو نمونه، از دو یادنامه ای نمی بریم که در شماره های دوره جدید ستار، رویدادهای آیدنگان در باره رفیق شهید خسرو روزبه رفیق شهید آریوست چاپ شده است. حاشی فضاوت در باره این شیوه عمل در برخی

## چرا میهنی بازگان ...

نمکن می دانند که اولاً هیچ قانونی در مورد غیر قانونی بودن حزب ما وجود ندارد و روش های ما، مخلوع، برخلاف قانون و سرب قانون، زندگی غیر عینی را به حزب ما تحمیل کردند. ثانیاً مردم ما انقلاب نکردند که قوانین طاقت و مصوبات شاهنشاهی را معترض شدند، آنهم به خصوص یکی از ارتجاعی ترین، استبدادی ترین و ضد خلقی ترین تصمیمات را، ولی آقای میهنی بازگان که سخت مایل اند در برابر روزنامه نگاران خارجی از خود چهوه ای دمکرات، سرتند، که با زیاد رویه پناه و سخت گیری ها، موافق نیست. در مورد یکی از مهم ترین ملاک های دمکرات بودن، که رابطه ما با حزب توده ایران و جنبش چپ مترقی میهن ماست، به کلی دست زپای خود را می کشند و هرادر محترم شردن «قوانین مصوبه» استمداد شاهنشاهی می شوند.

شعبان آقای بازگان، در سرایش لجاجت ضد توده ای، هرگونه روشنی و احساس مسئولیت را از مقام مسئول نخست وزیر سلب کرده است.

از جمله ایشان مدعی شده اند که گلوله های که به آیت الله سید مطهری شلیک شد، گویا پاشخ به مبارزات او علیه مارکسیست ها بوده است! یعنی حتی پس از تأکید امام خمینی مبنی بر اینکه قتل ها کار عمال امنیگاست و قتل از آن که کمترین بررسی و تحقیق انجام گیرد، رذیلتی پیدا شود، ایشان همانند معاف را راست، به نوعی کاملاً بی مسئولیت، مارکسیست ها را مسئول این عمل ضد انقلابی خوانده اند.

آقای بازگان به این هم بسنده نکرد. و چنان در میدان لجاجت ضد توده ای باخت زده اند که در مصاحبه ای با روزنامه فرانسوی لوموند، حزب توده ایران و ساواک شاه را «همکار» خوانده اند و همان اتهامات و توهین های باور نکردنی را که محافل ضد انقلابی علیه کلیه نیروهای چپ و مترقی بطور اعم و حزب توده ایران بطور اخص برای نقاشی افکنی به کار می برند، ایشان نیز تکرار کرده اند.

بیش از یک هفته از انتشار مقالات و مصاحبه های روزنامه فرانسوی لوموند میگذرد، ولی هنوز که هنوز است آقای بازگان صراحتاً و علناً سخنانی را که به ایشان نسبت داده می شود، تکذیب نکرده اند. اگرچه دوستان و محافل نزدیک به نخست وزیر معتقدند که جملات روزنامه لوموند، عین حرف های نخست وزیر نیست و احتمال می رود که ایشان به نحو دیگری افاده مطلب کرده باشند! ولی در هر حال از یک سو عدم تکذیب رسمی و جدی، و از سوی دیگر بی گری و بیان مطالب شیبه و مضر دانستن مستقیم حزب توده ایران و توقف حزب توده ایران (بصورتی لوموند، ۱۵ مه ۱۹۷۷) - در تمام نظرات و اعتراضات و درگیری های نظامی و خرابکاری در امور دولتی (!) و داشتن هدف مشترک با طرفداران شاه (!) و حتی همکاری توده ای ها و ساواکی ها در هیئت های تحریریه پیغام امروز و آیدنگان (!) - همه از یک برخوردار ناسالم و زیان بخش گواهی می دهند.

زیاد بخندید و ناسالم بودن این طرز تفکر ضد توده ای، البته ناشی از موضع طبقاتی نخست وزیر و مشی سازشکارانه ای است که ایشان در قبایل حیاتی ترین مسائل انقلاب ایران در پیش گرفته اند و حاضر نیستند به اقدامات انقلابی در جهت ضد امپریالیستی و دمکراتیک، در جهت منافع اساسی خلق زحمتکش و بر علیه ریشه های ترین منافع اقتصادی و سیاسی امپریالیستی و سرمایه داران بزرگ.

از روزنامه ها و مجلات ایران را، که به محور همان توطئه سکوتی که بارها از آن یاد کرده ایم، انجام می شود، به خوانندگان این شریات و امی گذاریم.

## استادان خراسان دست می گردید

آقای نادر احمدزاده استاندار خراسان، در مصاحبه ای با روزنامه نامداد، اشاره ای مستقیم به اساسی ترین مطالب و مسائل روز انقلاب ایران کردند، که باید مورد توجه تمام کسانی که به نوعی در رهبری انقلاب دولت سوسیست قرار گیرد. آقای احمد زاده در این مصاحبه نسبتاً شروخ و مفصل خود به بررسی یادآور شد که امپریالیسم از لحاظ سیاسی شکست خورده، اما پایگاه های اقتصادی اش در ایران باقی مانده است. تا آنکه باید جامعه را بشمار های مشخص در زمینه مسائل اقتصادی در این دوران سازندگی به حرکت درآورد و مانند رود خروشان به سوی هدف های انقلاب هدایت کنیم و یقین داشته باشیم که جامعه در حال حرکت تحت تأثیر هیچ لقای سوتی قرار نخواهد گرفت. کسانی که از بخش عقاید ماندیده ها آرزو آرزای بعضی احساس نگرانی می کنند، به تصور نیکبانی از ضعف خودشان است. هیچ مسئله ای نیست، اگر ما به خلافتی مبتنی بر اسلام و به اندیشه های انسان سازان مکتب معتقد هستیم، که من هستم و این را در عمل ارائه بکنیم و آن نظام انقلابی و آن نظام قسط و عدل را که می خواهیم، بسازیم، و مصادیقش منظور بنده نیست که جامعه را در حرکت انقلابی هدایت بکنیم این همان اصل تمام انقلاب است. اگر چنین باشد، هیچ مسئله ای وجود نخواهد آمد و اگر این نباشد مصادیق این سرب المثل است که در لاه قاضی بیکار می شوند سرهم راس تراشند. در چنین شرایطی، امپریالیسم و سوسیالیسم و عمل آنها از هیچ فرستنی فروگذار نخواهند کرد، بخصوص که شناخت عناصر توطئه گر در چهره های گوناگون غیر ممکن است. آقای احمد زاده در قسمتی دیگر از مصاحبه خود متذکر شد که ما باید به قدرت خلافتی ملت خودمان، همچنان که در مرحله اول انقلاب این قدرت را داریم، اعتماد و تکیه بکنیم. اگر ما به این نیرو تکیه بکنیم، می توانیم تمام این پایگاه های اقتصادی امپریالیسم را درهم بکوبیم، که اصلاً جایی برای احیای مجدد امپریالیسم در ایران نباشد. این امر اکنون احتیاج به اجتهاد انقلابی دارد. مثلاً قتل فاضل طباطبائی بین عده ای ترومند در این مملکت و توده های محروم نیز بسیار مهم و قابل توجه است. ساواکی ها را اعدام می کنیم، ولی آن غارتگران همچنان سرچاهی خودشان و بعضی ثروتمندان باقی مانده اند. خود این ثروت انباشته شده ساواکساز است. ساواکی به شکل جدید نه به شکل قدیم، زیرا که این غارتگران و این صاحبان ثروت برای پاسداری از مصادقات بیکار نمی نشینند ساواک دیگری را میزنند و حقه های دیگری به وجود خواهند آورد. ایست که می دانستی بایک تصمیم انقلابی و بایک اجتهاد انقلابی بلک حد اکثری برای این ثروتها قائل بشوند.

وابسته تن دردهند، مگر آنکه فشار مداوم خلق انقلابی و رهبری انقلاب ایشان را بدان محور سازد. به همین جهت همین چنین لجاجت و ساجدی در دشمنی با حزب توده ایران، که خواستار اتحاد فعال و پایدار همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک برای حفظ و تمیق دستاوردهای انقلاب است، برای ما تمجیب آور نیست.

زیاد بخندید و ناسالم بودن این طرز تفکر ضد توده ای، از جانب یک فرمادی قابل اعتنا نیست، ولی در مقام پرسش مسئولیتی نظیر نخست وزیر دولتی که باید وظایف پیشبرد انقلاب را با انجام رساند، چنین خصومت لوجوانانه ای می تواند نسبتاً نشانه فقدان روشن بینی سیاسی باشد. بلکه به امر انقلاب صدمه زد و در نتیجه پیامدهای ناگوار برای سرنوشت نهشت، بیار آورد. و این باعث نگرانی است.

تاریخ چهل ساله اخیر میهن ما شاهد آن است که نه تنها هرگز سیاست و روش ضد توده ای به نفع مردم تمام نشده، بلکه برعکس، همیشه به زیان توده زحمتکش و میهن ما انجامیده است.

برای ما این سؤال مطرح است که، چرا در لحظاتی که امپریالیسم آمریکا و سوسیالیست هائمان تلاش خود را برای تشدید و وخاست اوضاع داخلی ایران به کار انداخته اند، نخست وزیر ایران، به جای تجهیز همه نیروها علیه این دشمنان سوگند خورده میهن ما، همه کینه و دشمنی خود را، اتحاد دست یازی به تهمت و افترا، به محزوبی بکار بیاندازد که با اینهمه اصولیت و قاطعیت، محکم ترین روش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و ضد سوسیالیستی را عرضه میدارد و تجسم آرزوها و خواست های زحمتکش در حمایت از انقلاب و رهبر آن دستاوردهای آن و اقدامات قاطع آن و پیشبرد آن است؟

برای ما این سؤال مطرح است که چگونه نخست وزیر، با اینهمه بی پروایی، بخود اجازه می دهد به محزوبی که دهها و دهها شهید در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری داده و دهها و دهها نفر از اعضای سال های بیس طولانی از عمر خود در زندانهای شاه مخلوع گذرانده اند و مستحکم، مانند کوه ایستاده و به میهن و خلق خود وفادار مانده اند. توهین کند و افترا همکاری با ساواک را به آنها بزند، اما درباره دشمنان خلق و تبه کاران امپریالیسم نظیر شاپور بختیار، که اینهمه خون جوانان ما را ریخته، به شاه خائن خدمت کرده، نقشه های امپریالیستی را اجرا کرده و به قول امام خمینی مسئولیت سنگین کشتار ما را بگردن دارد، سکوت کرده است؟

برای ما این سؤال مطرح است که علت این خصومت و کینه، که این همه تهمت و افترا بی مسئولیت و بی پروا می آفریند، چیست، و در برابر آن، این سکوت و پرده پوشی، که داستان هم داستانی را به یاد می آورد، بچه سبب است؟

آیا میهنسازان بازگان می توانند به این پرسش ها، پاسخ صریح، منطقی و عادلانه بدهند؟

اگر بیاد آوریم که در همان مصاحبه با لوموند، ایشان بارها از خواست توده ها و از فشار زحمتکشان «شکایت و گله» کرده و اعتراف نموده اند که در «نوفل لوشاتو»، در حضور امام، نه خواستار انقلاب و تغییر ریشه های و قاطع رژیم، بلکه خواستار مرحله بندی ۶ ساله گذار (!) و تشکیل شورای سلطنت، با موافقت بختیار و بعضی از سران ارتش شاه و انجام انتصابات آجنانی بودند، که تازه بعد از شش سال بتدریج و مرحله به مرحله، به بافته آقای میهنساز، انتقال قدرت انجام گیرد، آفتوت شاید آسانتر بتوانیم پاسخ باین پرسش ها و ریشه این روش را بیابیم.

## میاژده کارگران ...

نسبت به پرداخت حقوق حقه آن ها می- اشتنا باشد.

برخی از شماره های کارگران چنین است:

- ضد انقلاب کیست؟ کارفرمای که بایستی کارخانه و استخراج کارگران، اقتصاد مملکت را فلج می کند یا کارگری که می خواهد با حداقل حقوق چرخ ها را به کار اندازد؟

- ما کارگران کانون ضد بشری و زلواستقن سبای امپریالیسم محکوم می کنیم و به برای بازگانه انقلاب اسلامی ارج می نهیم.

## پوش و صحبت

در شماره ۱۶ «مردم» در بخش رویداد های ایران، در انعکاس خبر مربوط به مراسم شهادت روزبه در پوشش، اشتباهی رخ داده است. که با پوشش، بدین وسیله تصحیح می شود:

در خبر گفته شده است که در آخر برنامه، به سئوالات مربوطه از زسوی شرکت کنندگان به وسیله دکتر رکش پاسخ داده شد، که متأسفانه این قسمت برنامه به علت حرکت یک عده افلاک گر، به قصد برهم زدن مراسم، به طرف محل برگزاری مراسم، نیمه کاره متوقف گردید، و مزاحمتی از جانب کسی انجام نگرفت.

در شماره پیشین «مردم» (شماره ۱۷) غلط های چاپی فاضلی روی داده است، که با پوشش از خوانندگان گرامی، برخی از آن ها را در ریر تصحیح می کنیم و امیدواریم خوانندگان گرامی خود توجه اطلاع دیگر بشوند:

- در اعلامیه کمیته مرکزی، صفحه اول، سطر ۲۰، بجای عناصر انقلابی باید خوانده شود: عناصر ضد انقلابی.

در مقاله از کادین سوختر فانیسم... صفحه اول، سطر ۸، بجای طبیعت است، که... باید خوانده شود طبیعت است که...

در صفحه ۵، از کلمه شمس اسراریم، بجای «روزبه» ساله باید خوانده شود «رویداد» ساله.

در صفحه ۸، از کلمه های رفقا و دوستان میاسگر ازیم، از بیروز ۱۰۰۰۰۰ دنبال صحیح است.

# پرسش ها و پاسخ ها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، در باره تاریخ حزب توده ایران، پرسش های موعض حزب نسبت به مسائل عمومی و سیاسی می آید. از این پرسش روزنامه «مردم» سعی می نماید، از عنوان پرسش ها و پاسخ ها، و در این سئوالمسئول به عمل خواهد آمد. به پرسش های که از طرف افراد مختلفی، به یکسان و یا تقریباً یکسان مطرح می شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستان حزب خواهشمندیم پرسش های خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران  
فلا هر هفته به شماره: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود  
تهران:  
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن:  
۹۳۳۷۲۸ و ۹۳۳۷۲۹

# اخبار کارگری



## اعتصاب موفقیت آمیز کارگران کارخانه کفش پلا

در نخستین هفته اردیبهشت ماه، کارگران کارخانه کفش پلا، در قسمت خاصی جیشیه، با طرح اعتصابی خستگی رهایی خود دست به اعتصاب زدند. خواست‌هایی را که مطرح کردند، عبارت بود از افزایش دستمزد، حق سکن، دریافت کمک هزینه برای اولاد، تشکیل سندیکا و بهبود شرایط کار.

این اعتصاب در بخش‌های دیگر این واحد صنعتی تأثیر نمود و کارگران این بخش‌ها همبستگی خود را با اعتصاب کنندگان اعلام کردند و به خواست‌های طرح شده از جانب آنان پیوستند. کار فرما و هیئت مدیره کارخانه، برای جلوگیری از اعتصاب پیکارچه گروه‌های تولیدی دیگر کارخانه، در تاریخ ۲۶ اردیبهشت، به تنظیم موافقت‌نامه‌ای با نمایندگان سندیکاهای و شوراهای کارگران تن در دادند، که در نتیجه آن چهارصد نفر از کارگران گروه صنعتی موفق شدند در هفت مورد حق سکن، حق دریافت خواربار، کمک هزینه برای اولاد، حق دستمزد اضافی در شرایط کارهای دشوار، تیبه نهار رایگان برای کارگرانی که دستمزد ماهیانه آن‌ها کمتر از سی هزار ریال است، اجرائی تقاضای خود را به کارفرما و هیئت مدیره کارخانه به‌قبولانند.

## کارگران کارخانه آزمایش متحداً مبارزه می‌کنند

کارخانه آزمایش، کارگاه بزرگی است که در حدود هزار نفر کارگر در آن بکار مشغولند. محصولات این کارخانه عبارتست از آب گرم کن، یخچال و دیگر لوازم مورد نیاز زندگی. تا قبل از انقلاب، در این کارخانه، مانند سایر موسسات صنعتی، انتظام و مقررات جبارانه سلواکی برقرار بود و کارگران را به عنوان اضافه‌کار، با شدیدترین وجهی استثمار می‌کردند و بجای هفت ساعت روزانه، یازده ساعت از آنها کار می‌کشیدند.

در حدود هشتاد نفر کارگر این شخصیت‌های متعصبانه کارگری ساده، که عملیات موتاز و نصب این نیروگاه را در پیچیده دانه، از تاریخ ۲۳ اردیبهشت، دستمزد روز به روز به تصحیح دستمزد و دستمزد رسیدگی به خواست‌هایشان شدند. کارگران سپار تماس با مسئولین امر و گرفتن وعده مساعدت مبنی بر اینکه پس از دو هفته نتیجه رسیدگی به سه تقاضاهای آنان اعلام خواهد شد، پس کار خود بازگشتند. یکی از کارگران هم به نام آقا جبهت رسیدگی به آن‌ها با کلیه مقامات دولتی تماس گرفته‌ایم. ولی تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. از تاریخ فرارید شدن پیمانکار، که از عاملین سواک بود، تا کنون با وجود همه مشکلات، کارگران امور می‌یوب به کارگران را خوشحال اداره میکنند. در این مورد، طبق نظر امام‌فرضی، نهایت

## تخصیص برق نیروگاه برق رامین اهواز

نیروگاه برق رامین در اهواز دارای ظرفیت نهایی تولیدی ۱۶۶۰ مگاوات برق است که توسط کارگران ایرانی و همکاری کارشناسان اتحاد شوروی در حال احداث است. قرار است نخستین واحد تولیدی این نیروگاه، بطرفی ۳۵ مگاوات، بزودی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در حدود هشتاد نفر کارگر این شخصیت‌های متعصبانه کارگری ساده، که عملیات موتاز و نصب این نیروگاه را در پیچیده دانه، از تاریخ ۲۳ اردیبهشت، دستمزد روز به روز به تصحیح دستمزد و دستمزد رسیدگی به خواست‌هایشان شدند. کارگران سپار تماس با مسئولین امر و گرفتن وعده مساعدت مبنی بر اینکه پس از دو هفته نتیجه رسیدگی به سه تقاضاهای آنان اعلام خواهد شد، پس کار خود بازگشتند. یکی از کارگران هم به نام آقا جبهت رسیدگی به آن‌ها با کلیه مقامات دولتی تماس گرفته‌ایم. ولی تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. از تاریخ فرارید شدن پیمانکار، که از عاملین سواک بود، تا کنون با وجود همه مشکلات، کارگران امور می‌یوب به کارگران را خوشحال اداره میکنند. در این مورد، طبق نظر امام‌فرضی، نهایت

ایجاب و ذهاب را برای شما، درخواست اتومبیل شخصی توصیف کرده‌اند، تا زمانی که کارفرما سخنگوی کارگر است، این سوء تفاهات بدبختی و غیر قابل توجیه است. اما در واقع وقت آن رسیده است که جدا به حرف ما، به نی‌خواهی از خودمان دفاع کنیم، چون کار و زحمات و جیره‌ما خود بهترین گواه ما است. ما متأسفیم که مقامات دولتی چرا خواست‌های ما را از خودمان نمی‌برسند و برای اینکه از مسائل و گرفتاری‌های کارگران اطلاع پیدا کنند، در داخل اتاق‌های دربسته و خلک کارفرمایان ما به بحث می‌نشینند، غافل از اینکه این انقلاب برای پایان دادن به این بیدلانی‌ها بوده است. محاسن و اما ما می‌بینیم که هنوز مستکبرین هستند که حرفشان بیشتر شوا دارد نه مستمعین. چرا دستورات امام اجرا نمی‌شود؟ مسئول کیست؟ چه کسی باید به این مسائل رسیدگی نماید؟ من که یک کارگر قدیمی هستم، دارای چندین عائله می‌باشم. کلیه مزایای درخواستی من تعلق می‌گیرد، از قبیل کمک هزینه سکن، ایاب و ذهاب، وقتی جمع این‌ها را خوراک، عائله مندی، وقتی جمع این‌ها را حساب کرده‌ام در حدود یکم و پانصد و دویست الی سیصد تومان می‌شود. ولی می‌بینیم که آفای نخست‌وزیر در تلویزیون اعلام می‌کنند که کارگران نیروگاه برق رامین اهواز درخواست اتومبیل شخصی کرده‌اند! اینطور نیست آقای پارزگان! ما خواستار ابتدائی‌ترین حقوق خود برای یک زندگی ساده هستیم. ولی می‌دانید اشکال کار در کجاست؟ اشکال در اینجاست که شما بجای اینکه درمان را از خودمان ببرید، از کارفرمایان شوال کرده‌اید. این است که تقاضای سروس چیت

## مبارزه کارگران به حمایت از همکاران اخواهی خود

از روز ۳۰ اردیبهشت گروهی از کارگران شرکت خدمات قنی «نوسانه» (حدود ۷۰ نفر)، وابسته به شرکت لوازم خانگی «تا ۱» گمشده‌اش، اعتراض نسبت به اخراج ظالمانه ۳۴ از همکاران خود، در محل فروشگاه و نمایشگاه شرکت به بیان مسائل رسیدگی نماید؟ من که یک کارگر قدیمی هستم، دارای چندین عائله می‌باشم. کلیه مزایای درخواستی من تعلق می‌گیرد، از قبیل کمک هزینه سکن، ایاب و ذهاب، وقتی جمع این‌ها را خوراک، عائله مندی، وقتی جمع این‌ها را حساب کرده‌ام در حدود یکم و پانصد و دویست الی سیصد تومان می‌شود. ولی می‌بینیم که آفای نخست‌وزیر در تلویزیون اعلام می‌کنند که کارگران نیروگاه برق رامین اهواز درخواست اتومبیل شخصی کرده‌اند! اینطور نیست آقای پارزگان! ما خواستار ابتدائی‌ترین حقوق خود برای یک زندگی ساده هستیم. ولی می‌دانید اشکال کار در کجاست؟ اشکال در اینجاست که شما بجای اینکه درمان را از خودمان ببرید، از کارفرمایان شوال کرده‌اید. این است که تقاضای سروس چیت

## سیاست خارجی دولت

خلاصه نبردی در عرصه‌های مختلف، به مقیاس جهانی، بر سر موضوعاتی بین دولت فرتده در جریان است که هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از آن جدا نماید و با جدا کردن، به همین دلیل نیز وزیر خارجه، در رفع تناقض گوئی، جمله نخستین را با جمله دیگری تصحیح می‌کند و می‌گوید: «حفظ بیطرفی دولت ایران به شکل فصال و مثبت است. ولی بیطرفی غیر فصال که ما را به انزوا می‌کشاند، باید برای سخنرا تکمیل کرد و گفت که عدم تصد فصال و مثبت سیاستی است ضد امپریالیستی، در راه مبارزه به‌خاطر صلح، در راه مبارزه به‌خاطر دوستی خلق‌ها، در پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و غیره.

## موازنه منفی سیاست مستقل نیست

ولی متأسفانه آقای وزیر خارجه، طی صحافی خود، نشان داده که سیاست خارجی دولت بر مبنای تمویج شده و مقدمانی برای عملیاتی، به‌ویژه در مناسبات با به اصلاح «زیر قدرت شاه» خوانده می‌شود که هم با فاین استقلال و با تمام ابعاد آن، هم با عدم تصد فصال و مثبت آن، و هم تصد به‌مناف فصال و مثبت آن، عه سیاست دولت چنین باشد، سیاستی ضد امپریالیستی خواهد بود و مردم آن را قویاً تأیید خواهند کرد.

خصصانه و مداخله‌گرانه اخیر سنای آمریکا نامه‌ای از جانب وزیر خارجه آمریکا به دولت ایران تسلیم شده و در آن، به گفته دکتر یزدی، به ضرورت دوستی میان دولت ایران و آمریکا اظهار علاقه می‌کنند و حتی برای نظام پیشتر به دولت ایران پیشنهاد اعطای کمک‌های اقتصادی (ا) می‌کنند و (ب) نیز اشاره می‌کنند به اینکه ما (امریکاها) آماده‌ایم از نظر نظامی (ا) نیز با دولت ایران همکاری داشته و هر گونه مشکلی را هم که در این زمینه نظامی به دل گذشته وجود داشته، زمینه نظامی و حتی پارا فرائ گذشته و درباره همکاری‌های وسیع آینده مطالبی را عنوان کرده‌اند.

وزارت خارجه ایران در پاسخ به این نامه چه گفته است؟ به گفته دکتر یزدی، وزارت خارجه اعلام کرده است که اولاً «متقابلاً اطمینان می‌دهیم که جمهوری اسلامی ایران نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور آماده همکاری با امریکا هستیم» و ثانیاً «محاسن و کارهای آمریکا و خارجه آمریکا درنامه خودشان اشاره کرده‌اند: «باید اینکه دولت شیوه‌ها نشان ندارد در امور داخلی ایران مداخله بنماید، اظهار خوشحوشی شده و از این سراسر (ا) که به کار رفته تشکر به عمل آمد».

این سخن وزیر خارجه، چنان شکست انگیز است که مفسر را دیو را نیز به تعجب واداشت. وی گفت: «ما آفتد که از سخنان وزیر امور خارجه کشور خودمان درباره روابط ایران و آمریکا تعجب کرده‌ایم. از قطعنامه سنای آمریکا شکست‌زده نشویم، مفسر را دیو افزود که: «چگونه دکتر یزدی، که سال‌ها در امریکا زندگی کرده است، نمی‌داند که سنای آمریکا قلب سیاست آمریکا است و دولت آمریکا نمی‌تواند تحت تأثیر سنای آمریکا نباشد؟» ولی کالیفرنیا کشانی وزیر خارجه، به جدا کردن سنای آمریکا از دولت آمریکا پسنده نمی‌کند. از نظر دکتر یزدی، قطعنامه، کار مسیویسیسم است و مسیویسیسم از نظر او نه بخشی از امپریالیسم، نه پای از اختیوس آمریالیسم، بلکه چیزی است مستقل از امپریالیسم آمریکا. این دو نیز مانند قوه مقننه و مجریه، بنا و دولت آمریکا که این اقدام جدید هستند. سوس کالیفرنیا مسیویسیسم نیز یک گروهی است، که چاکوب چاویش در بی‌شایش آن‌ها، لیم فقط به دلیل دوستی‌اش با شاه و پول‌ها کدزنی از شاه گشود. قطعنامه را پیشنهاد کرده و مسبب این پیشنهاد نیز، ده‌گفته دکتر یزدی، مستقیماً در ارتباط با اعدام القاتیلان بوده است.

نتیجه آن که اگر این تصمیمات وزیر خارجه را بپذیریم، باید قبول کنیم که اگر القاتیلان اعدام نمی‌شد و با اگر

زن چاکوب چاویش از شاه پول نمی‌گرفت، قطعنامه گذاشتیضاد نمی‌شد، و به طریق اولی تصویب نمی‌شد، و حال‌هم که این کار مستقیماً در ارتباط با اعدام القاتیلان توسط گروه مسیویسیست‌ها (و نه امپریالیست‌ها) انجام گرفته. ربطی به دولت آمریکا ندارد که دست دوستی امطای کمک اقتصادی و همکاری نظامی بسوی ما دراز می‌کند. در اینجاست که در واقع تشریح کرده‌ایم وزیر خارجه، لاقول بسیار شکست‌انگیز است، براسیست شکست انگیز است. گوی اساساً نه انقلابی در ایران رخ داده و نه این انقلاب برضد امپریالیسم و بویژه برضد امپریالیسم آمریکا (از باب مستقیم شاه‌مخلوع) بوده و نه امپریالیسم آمریکا، دیگر امپریالیسم آمریکا است. انکار ماهیت کمک‌های اقتصادی و ماهیت «همکاری‌های نظامی» این گروه‌های غارتگر جهان‌خوار و این خوشفروتنی‌ها دشمن خلق‌های جهان، یکباره و یکسره تغییر کرده است.

البته اگر از این دیدگاه به مسائل بتکریم، آنگاه دیگر تعجبی نخواهیم کرد از این‌که سه ماه و نیم بعد از بیروزی انقلاب ضد امپریالیستی ایران، هنوز موضوع لفو قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا زیر بررسی است، و این بررسی بر مبنای به‌اصطلاح «موازنه منفی» انجام می‌گیرد. در اینجا سیاست عدم تصد فصال و مثبتی تاکنون به‌سیاست «موازنه منفی» بدل می‌گردد، که مشغول آن اینست که اگر ما مجبور شویم قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا را لفو نمانیم، درصدمه برخوایم آمد که قرارداد ۱۹۲۱ بنفد بین ایران و شوروی را نیز لفو کنیم! گوا اینکه قرارداد ۱۹۲۱ با اتحاد شوروی سچان‌که همه می‌دانند و چنان‌که در بیوهه همین انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی بار دیگر معلوم و اثبات شد قرارداد است حامی استقلال و حمایت ازنی ایران در برابر اشغالگران

امپریالیست، اشغالگری از نوع امیر-یالیسم آمریکا، آیا امپریالیسم آمریکا دائماً به تجاوز و اشغال تهدید نمی‌کند؟ آیا امیر-یالیسم آمریکا دیگر چشم طمی به ایران ندارد؟ آیا نیروی ضد صدها نفری زنده گرفته‌ای که پشاکون نفری بر تابه و باغچه خلیج فارس تدارک دیده و رسماً وجود آنرا اعلام داشته، برای ما خطر نیست؟ آیا نواها و هوانیاب و موشک‌انداز آمریکایی، که دائماً در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند بر سر می‌زنند، مظاهر وجود خطر برای ما نیستند؟ آقای دکتر یزدی عقیده دارد که «هیچ خطر از نظر مداخله نظامی ما تهدید نمی‌کند». در واقع توضیحی که وزیر خارجه، طی صحافی خود، در پاسخ به پرسش‌ها داده، هیچ وجه مشترکی با مقدمه گذرشن خبری، که هدف سیاست خارجی ایران را استقلال بانام ابعاد آن، و مثبتی بر عدم تصد مثبت و فعال اعلام داشت.

سیاستی را که وزیر خارجه، طی صحافی ارائه داده، در واقع هیچ چیز ثابتی ندارد و همان به‌اصطلاح «موازنه منفی» است، که اگر بتوان آنرا پیاده کرد، راه نفوذ و رسوخ غارت‌گرانه و مداخله اسارت‌گرانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در ایران هوار خواهد شد و فتریه مسیویسیسم به‌استقلال، به‌حق گوا می‌د و به «موازنه منفی» که با پذیرش صلح است، انقلاب کرده‌اند تا از یوغ اسارت امیر-یالیسم رها شوند. انقلاب ایران انقلابی است ضد امپریالیستی. لذا سیاست خارجی دولت انقلاب نیز باید ضد امپریالیستی باشد. این واقعیت را باید همه بداندند، و قبل از همه و پیش از همه اعضای دولت حقوق جمهوری اسلامی ایران

# بحث و مناظره سیاسی از اشکال مهم مبارزه فکری در شرایط کنونی است

## به فشارها و تعقیب‌ها خاتمه دهید

از دکتر نزه الدلیمی

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست

عراق

وزیر سابق کابینه عراق

سال گذشته، بدنبال انتشار گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به جبهه مطبوعاتی عراق، در آن مضمون مارس ۱۹۷۹، که در آن مضمونت عراق مورد ارزیابی قرار گرفت، حزب بهت بیش مبارزه مطبوعاتی را بر ضد حزب آغاز کرد. بدنبال آن فشارها شروع شد، بیش از بیست تن از فعالین و دوستان حزب کمونیست عراق اعدام شدند.

حزب کمونیست عراق و بالاترین حاکمیت بین نبردهای مترقی و ملی وطن پرستانه است که نشانه علاقه داشتن به پیشرفت جنبش انقلابی عراق و عامل حمله برای بهبود اوضاع دو جهان عرب است. این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا امپریالیسم، سهیونیسم و ارتجاع دست اندازنده تشدید عملیات خرابکارانه هستند.

کمیته مرکزی تعیین کرده بودند، ایراز داشت. این راه، هدف حفظ اتحاد نیرو های مترقی عراق و بالاترین حاکمیت بین نبردهای مترقی و ملی وطن پرستانه است که نشانه علاقه داشتن به پیشرفت جنبش انقلابی عراق و عامل حمله برای بهبود اوضاع دو جهان عرب است. این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا امپریالیسم، سهیونیسم و ارتجاع دست اندازنده تشدید عملیات خرابکارانه هستند.

کمیته مرکزی تعیین کرده بودند، ایراز داشت. این راه، هدف حفظ اتحاد نیرو های مترقی عراق و بالاترین حاکمیت بین نبردهای مترقی و ملی وطن پرستانه است که نشانه علاقه داشتن به پیشرفت جنبش انقلابی عراق و عامل حمله برای بهبود اوضاع دو جهان عرب است. این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا امپریالیسم، سهیونیسم و ارتجاع دست اندازنده تشدید عملیات خرابکارانه هستند.

کمیته مرکزی تعیین کرده بودند، ایراز داشت. این راه، هدف حفظ اتحاد نیرو های مترقی عراق و بالاترین حاکمیت بین نبردهای مترقی و ملی وطن پرستانه است که نشانه علاقه داشتن به پیشرفت جنبش انقلابی عراق و عامل حمله برای بهبود اوضاع دو جهان عرب است. این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا امپریالیسم، سهیونیسم و ارتجاع دست اندازنده تشدید عملیات خرابکارانه هستند.

از مه ۱۹۷۸، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر بازداشت شده و مسوود شکنجه روحی جسمی قرار گرفته‌اند. آنها را از چند روز تا چند هفته در بازداشت نگاه داشتند. بدون آن‌که کسی از سران وقت تصدای زیادی از بازداشتی‌ها خبر داشته باشد. مردم را به خاطر داشتن اعتقادات، یا کمونیست یا مستقل بودن، یا به علت خود داری از هیونت حزب، بهت با بازداشت می‌کنند. این سیاست جبارانه نمی‌تواند قابل توجه باشد. این امر حتی مخالف فراترین غیر کمونیستی است که در عرض مسجک گدازنده‌اند.

دعوت منظر حزب، از طریق مطبوعات رسمی، دایره ارتباطی تمام نیروها باید تحت یک هدایت تئوریتی واحد در جبهه ملی بهم وصل شوند. نگرانی های جدی به وجود آمده است. این امر به استقلال لیدرولیک، سازمانی و سیاسی ناپس احزاب در جبهه‌ها نه خواهد داد و بدین ترتیب پایه و اصول جبهه را که در اساسش مخصوصا در فرمان قانون ملی، ذکر شده درم خواهد داشت.

از کرب کومیت و کارگری عرب در ملاقات صامبر ۱۹۷۸، به متد تکرانی‌های عمیق خود را در وقت اوضاع در عراق بیان داشته و اعلام کردند که مبارزه بر ضد حزب کمونیست عراق، تلاش در راه وحدت نیروهای مترقی و ملی عرب را به نحو رسمی در خواهد نمود. این احزاب، مبارزه حزب کمونیست عراق را به نحو عالی ارزیابی کردند و همسنگی خود را با آن اعلام داشتند. حزب ما همچنین مورد پشتیبانی کمونیست‌ها و سایر نیرو های مترقی بسیاری از کشورهای قرار گرفت.

فراروی خود می‌نهاد، آن وقت حزبی «ملی و میهن پرست» بود. ولی چون این حزب، ملی‌رغم توهمات ناپجا، به راه دمکراتیسم انقلابی و همبستگی جهانی طبقه کارگر وفادار است، حزب «ملیونتی» است و از «چپ» و راست باید آنرا به یاد افترا گرفت.

لذا رفقا و دوستان و هواداران ما، در هر کجا که هستند، به میدان «بیت» کشیده می‌شوند. غالباً شیوه بحث دیگران پاناه، شیوه های دشنام آمیز، افترا آمیز و مسقطه امیز است. رفقا و دوستان و هواداران حزب، نادرستی و غیر عادلانه بودن این شیوه‌ها را حس می‌کنند. گاه ممکن است خود از «دوره» در برورنده و تماد روحی و منطقی خویش را از دست بدهند، و این کار اید و اصلا مجاز نیست.

ما با حربه های مشکوک دشمنان و مخالفان حزب یا آن‌ها مقابله نمی‌کنیم. مسقطه، دروغ، لاف، ادعای بی پشتوانه، پرچسب زدن، هارت و پورت، دشنام دادن، متلک و هوجبی بازی و امثال این شیوه‌های زشت، کار را نیست. توده‌های صدیق و اصولی، در کار برد این اسلوب‌ها، ضعیف و بی‌بایه‌اند. دشمنان و مخالفان حزب، در این اسلوب‌ها (که جز آنرا نمی‌شناسند) ماهرند. ما باید طرف خود را به میدانی کشانیم که او دران ضعیف است. یعنی به میدان «بیت و مناظره» جدی و خونسردانه منطقی، و در آنجا، حقیقت حزب و مضمی آنرا اثبات نماییم. اگر طرف بحث ما گوش شنوا نداشته باشد مستمعین این بحث، که سرشار از کنجگویی سادگانه برای درک حقیقت هستند، گوش شنوا دارند.

برای رفقای حزبی و دوستان و هواداران حزب، این وظیفه مقدس و حتمی است که ملی‌رغم خشن‌ترین دشمنان و اتهام‌ها و پرس و صدا ترین پرچسب‌ها، خونسرد، متین، مودب، بهمانند و در عین پاسخگویی صدیقانه و استدلالی به طرف، سیاست وحدت مبارزه را مراعات کنند. هدف ما از بحث و مناظره سیاسی، نزدیک شدن و اتحاد است نه دور شدن و افتراق. ما باید سیاست اتحاد را به ویژه در روند بحث‌ها و مناظره‌های سیاسی اجرا کنیم. زیرا درست در این روند خطر آنستکه روش‌های ناسالم، افتراق نیرو هارا تشدید کند. ما این سیاست اتحاد طبقی را مانع جدی‌ترین وسیله ترین بحث منطقی نمی‌شیریم. درست در جریان این بحث‌ها، باید چهره انسانی و منطقی و میهن پرست و خلقی یک توده‌ای را به مردم نشان داد تا واژه «توده‌ای» که در اطراف آن عظیم ترین تبلیغات منشی شده، در آذهان دارای بهترین طبقین‌ها پاید بر دیوار عظیم و سیاه مسقطه و مظلله‌ای که امپریالیسم، رژیم گذشته، قشر های مخالف اجتماعی، علیه حزب، افراشته‌اند، با شکیب (ولی شکیبی که همرا تلاش همروزی است) غلبه کند. هر روش غیر از این، دانسته یا ندانسته، آب ریختن به آسیاب دشمنان است. که می‌خواهند حزب ما را جزا بشناسانند، که سزفت آنست. نباید به دشمن کمک رساند. توجه همه رفقا و دوستان و هواداران حزب‌ها، در سراسر کشور، به این نکات جلب می‌کنیم و زیاده‌گویی را در این بحث پیش از این روا نمی‌شیریم. زیرا: «درخانه اگر کس است، یک حرف بس است!»

فراروی خود می‌نهاد، آن وقت حزبی «ملی و میهن پرست» بود. ولی چون این حزب، ملی‌رغم توهمات ناپجا، به راه دمکراتیسم انقلابی و همبستگی جهانی طبقه کارگر وفادار است، حزب «ملیونتی» است و از «چپ» و راست باید آنرا به یاد افترا گرفت.

لذا رفقا و دوستان و هواداران ما، در هر کجا که هستند، به میدان «بیت» کشیده می‌شوند. غالباً شیوه بحث دیگران پاناه، شیوه های دشنام آمیز، افترا آمیز و مسقطه امیز است. رفقا و دوستان و هواداران حزب، نادرستی و غیر عادلانه بودن این شیوه‌ها را حس می‌کنند. گاه ممکن است خود از «دوره» در برورنده و تماد روحی و منطقی خویش را از دست بدهند، و این کار اید و اصلا مجاز نیست.

ما با حربه های مشکوک دشمنان و مخالفان حزب یا آن‌ها مقابله نمی‌کنیم. مسقطه، دروغ، لاف، ادعای بی پشتوانه، پرچسب زدن، هارت و پورت، دشنام دادن، متلک و هوجبی بازی و امثال این شیوه‌های زشت، کار را نیست. توده‌های صدیق و اصولی، در کار برد این اسلوب‌ها، ضعیف و بی‌بایه‌اند. دشمنان و مخالفان حزب، در این اسلوب‌ها (که جز آنرا نمی‌شناسند) ماهرند. ما باید طرف خود را به میدانی کشانیم که او دران ضعیف است. یعنی به میدان «بیت و مناظره» جدی و خونسردانه منطقی، و در آنجا، حقیقت حزب و مضمی آنرا اثبات نماییم. اگر طرف بحث ما گوش شنوا نداشته باشد مستمعین این بحث، که سرشار از کنجگویی سادگانه برای درک حقیقت هستند، گوش شنوا دارند.

برای رفقای حزبی و دوستان و هواداران حزب، این وظیفه مقدس و حتمی است که ملی‌رغم خشن‌ترین دشمنان و اتهام‌ها و پرس و صدا ترین پرچسب‌ها، خونسرد، متین، مودب، بهمانند و در عین پاسخگویی صدیقانه و استدلالی به طرف، سیاست وحدت مبارزه را مراعات کنند. هدف ما از بحث و مناظره سیاسی، نزدیک شدن و اتحاد است نه دور شدن و افتراق. ما باید سیاست اتحاد را به ویژه در روند بحث‌ها و مناظره‌های سیاسی اجرا کنیم. زیرا درست در این روند خطر آنستکه روش‌های ناسالم، افتراق نیرو هارا تشدید کند. ما این سیاست اتحاد طبقی را مانع جدی‌ترین وسیله ترین بحث منطقی نمی‌شیریم. درست در جریان این بحث‌ها، باید چهره انسانی و منطقی و میهن پرست و خلقی یک توده‌ای را به مردم نشان داد تا واژه «توده‌ای» که در اطراف آن عظیم ترین تبلیغات منشی شده، در آذهان دارای بهترین طبقین‌ها پاید بر دیوار عظیم و سیاه مسقطه و مظلله‌ای که امپریالیسم، رژیم گذشته، قشر های مخالف اجتماعی، علیه حزب، افراشته‌اند، با شکیب (ولی شکیبی که همرا تلاش همروزی است) غلبه کند. هر روش غیر از این، دانسته یا ندانسته، آب ریختن به آسیاب دشمنان است. که می‌خواهند حزب ما را جزا بشناسانند، که سزفت آنست. نباید به دشمن کمک رساند. توجه همه رفقا و دوستان و هواداران حزب‌ها، در سراسر کشور، به این نکات جلب می‌کنیم و زیاده‌گویی را در این بحث پیش از این روا نمی‌شیریم. زیرا: «درخانه اگر کس است، یک حرف بس است!»

ما در دوران گذار از مرحله اول انقلاب (انقلاب برای سرنگونی رژیم شاه مخلوع) به مرحله دوم انقلاب (یعنی مرحله سازندگی) قرار داریم. در این دوران، لایه بندی و جدانشدن نیروها، نبرد بین آن‌ها جریان دارد، تا روشن شود که کدام یک از دو نیروی عمده انقلاب در مرحله اول (منظور ما از دنیرو لیسریالیسم سبورژوازی و دمکراتیسم انقلابی و خلقی است) بر دیگری غلبه می‌یابند. لایه بندی و جدانشدن نیروها و نبرد بین آن‌ها، از ویژگی‌های این دوران است.

حزب ما خواستار آنست که همه نیروهای کدر مرحله اول انقلاب شرکت داشتند، در بقیه مراحل نیز، در زیر پرچم دمکراتیسم انقلابی و خلقی، به جلو روند.

سیاست حزب ما در جهت اتحاد است نه افتراق. ولی حرکت یعنی تاریخ به میل ما بستگی ندارد. به علاوه ضد انقلاب سخت سرگرم فعالیت است. عمال ضد انقلاب در جهت «بهبانه» ایجاد می‌کنند. عمال ضد انقلاب در جهت چپان بی‌بانه‌ها را «بلی می‌گیرند» و جنجال به راه می‌اندازند و بر مکتس. این مکانیسم جنمی توطئه و مسقطه و تفتین، گرم عمل است. هدف آنست که بین روحانیت و قشرهای مرفی، «گوه بزیند». هدف آنست که بین نیروهای لیبرال بورژوازی و نیروهای دمکراتیک انقلابی «گوه بزیند». هدف آنست که با تفرقه در نیروهای انقلابی، آنرا ورهیر آنرا تضعیف نمایند و دستاوردهای انقلاب را به یاد فنا بدهند. برای نیل باین هدف همه وسایل، از ترف، آشوب، شایبه پراکنی، تفتین، تحریک و انواع دیگر وسایل به کار می‌رود و مجاز شمرده می‌شود. عیالقا تصور این مسقطه سخت فروزان و دیک تفتین‌ها سخت جوشان است.

رهبر انقلاب، امام خمینی، بارها در این باره هشدار داده و به وحدت کلمه و حفظ برادری در مبارزه، دعوت کرده است. حزب توده ایران به توبه خود، به عنوان حزب طبقه کارگر، هشدار داده و به وحدت عمل در چارچوب وظایف مشخص جنبش دعوت کرده است. ولی ملی‌رغم خواست‌ها، دعوت‌ها و فراموگان‌های مثبت، جریان منفی بسیر ناخوشایند خود ادامه می‌دهد و در میان قشرهای روشنفکران و کارمندان، میان واحدهای قومی و ملی، میان کارگران و دهقانان مسقطه جویان با نقاب‌های مختلف عمل می‌کنند.

در این شرایط، گوره است و مناظره سیاسی (پلمیک)، بین نیروهای مختلف به ناچار شعله ور است. به ویژه اعضا، دوستان و هواداران حزب توده ایران، به میدان این بحث و مناظره سیاسی کشیده می‌شوند. دشمنان و مخالفان حزب، گاه از طریق مسقطه و مغلطه در تاریخ گذشته حزب، گاه از طریق سوء تعبیر مضمی استرا-تیک و تاکتیکی حزب، گاه از راه وارد ساختن افتراءات آنتی-کمونیسم امپریالیستی، حزب ما را به یاد تهمت و دشنام می‌گیرند. اگر حزب توده ایران مضمی سازش با ضد انقلاب، با لیبرالیسم بورژوازی، با قشرهای مقتصدانه اجتماعی را در پیش می‌گرفت، آن وقت «حزب خوبی» بود. اگر حزب توده ایران، چنان که گستاخانی چند بوی پیشنهاد می‌کردند، راه نئی همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان، راه دشمنی با سوسیالیسم و کشورهای سوسیالیستی را

و برافشنگی علیه امپریالیسم دشمنش امریکا دسراسر کشور پلک کشیده ما به پایا خاست. طبقات و قشرهای مردم ایران از اطراف و اکناف کشور به تظاهرات برخاستند. تظاهرات گسترده روزهای پنجشنبه ۳ و ۴ خرداد در تهران و در شهرهای دیگر کشور، با زتاب نیرومندی بود از عزم راسخ مردم برای مقابله با هرگونه توطئه و تحریک امپریالیستی‌های امریکایی ضمیم انقلاب ایران.

حزب توده ایران، با دعوت همگانی مردم به شرکت در تظاهرات ضد امپریالیسم امریکا و با شرکت گسترده خود در این تظاهرات، کار دیگر وفاداری بی‌خشخه خود را به سیاست اصولی خویش در زمینه پوشش برای تأمین اتحاد همه نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی، نشان داد.

این واقعیت که مردم ایران در برابر مداخلات نفرت انگیز سنای امریکا واکنش سریع از خود نشان داده و می‌دهند، پدیده‌ای است که برای همه مبارزان راه پیشبرد انقلاب سترگ خلق قهرمان ایران مایه نهایت خرسندیست.

ولی در همین حال این واقعیت اسفناکنیز را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت که نیروهای انقلابی، همانگونه که نمونه‌هایی از آن در تظاهرات ضد امریکایی اخیر دیده شد، در بسیاری از موارد جدا از یکدیگر عمل کردند و نفواستند و نتوانستند نیروی جمعی خود را، که اثریسی آن از حاصل جمع نیروی واحدهای پراکنده به مراتب بیشتر است، به امپریالیسم امریک- خونخوارترین و شرور ترین دشمنان انقلاب ما عرضه دارند.

این پراکندهگی و جدایی نیروها نقطه ضعفی است که امپریالیسم بی‌شک از توجه بدان و کوشش برای بهره‌گیری از آن غافل نیست و غافل نخواهد ماند.

ما ضمن ابراز خرسندی از آمادگی مردم، نیروها و سازمان های انقلابی برای مقاومت و پایداری در برابر نقشه‌ها و عملیات تفریبی امپریالیسم امریکا و وظیفه خود می‌دانیم که پار دیگر ضرورت اتحاد و وحدت ملی نیروهای مبارز راه استقلال ملی، آزادی و عدالت اجتماعی ایران را به همه کسانی که برای حفظ دستاوردها و پیروزی نهایی انقلاب می‌کوشند، خاطر نشان سازیم.

دشمنان داخلی و خارجی انقلاب ما متحد عمل می‌کنند. در برابر نیروهای متحد ضد انقلاب، باید متحد و همگام عمل کرد.

### در برابر دشمنان ایران ...

### علاج کار ...

مدارند و از سوی دیگر عناصر چپ‌رو و چپ‌نما، با فشارهای فزاینده، کارگران را به اعتصاب و کم کاری دعوت می‌کنند. آفرقت دولت، بدون توجه به عمل واقعی مهمی که موجب وضع تأسیسات مؤسسات تولیدی شده است، کارگران را به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، یعنی مردن از گرسنگی تهدید می‌کند.

باید با فشار اقتصادی از روش طبقه کارگر برداشت، نه بر آن افزود. دولت برنامه‌های سنجیده برای سرکند آوردن چرخ اقتصاد کشور نداشته باشد، نه به مالیزای اقتصاد توفیق خواهد یافت و نه قادر به جلوگیری از ترمیمات ضد انقلابی و راست‌گرا و چپ‌نما خواهد بود. تنها راه داشتن برنامه کار و اجرا می‌گن آن در جهت سالم سازی اقتصاد و بهبود زندگی زحمتکشان است.

کارگران چپ می‌خواهند؟ آن‌ها خواستار دستمزد عادلانه و شرایط مناسب کارند. آن‌ها می‌خواهند امکان داشته باشند تا سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری خود را از طریق انتخابات آزاد بوجود آورند. بوسیله نمایندگانی خود در این سندیکاها برکنند و اجرای اصلاح قانون جدید کار قانون بیمه‌های اجتماعی، آکین نامه کار کارگری و آکین نامه مقررات کارگاه‌ها نظارت داشته باشند. بخواهند به صورت مستقل و سازمان یافته از حقوق سیاسی و منعی خود دفاع کنند؛ بوسیله نمایندگانی خود در مدیریت کارخانه‌ها و مؤسسات مشارکت فعال داشته باشند و همکاری پیشرفت دوداره امور مؤسسه کارخانه خود برعهده‌گیرند و مطالبات خود را در فضایی بی از اتهام و دشنام و برجسزنی مطرح سازند و برای تحقق آن مبارزه کنند. سازمان‌های انجمن توجیهی دولت، زمینه را برای فعالیت یبدا و نهان ضد انقلابی در مؤسسات تولیدی و نیز عناصر چپ رو و چپ‌نما، که با شیوه‌های افراطی به انقلاب سدمه می‌زنند، مساعد کرده‌است.

از یک سو کارفرمایان ضد انقلابی با مقاومت‌های بیجا در برابر مطالبات کارگران، چرخ کارخانه‌ها را از گردش باز

**به پیش هر چه وسیع‌تر  
(مردم) کمک کمک کنید**  
کمک به توجیه و پیش هر چه وسیع‌تر روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواداران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.



### مردم ایران در تظاهرات عظیم ضد امریکائی ...

های گروه کرده خود را به یانگی ما نشان داد و خصلت ضد امریکائی انقلاب ما را تاکید کرد.

از مصر پنجشنبه که بدعوت حزب جمهوری اسلامی و حزب توده ایران، سید خروشان جمعیت از نقطه تهران حرکت کردند، مردم در شمار ما و پلاکاتهای خود، پاسخ خلق را به سنای امریکا اعلام می داشتند فریاد های:

— امریکا، اسرائیل دشمنان خلق ما!

— اعدام انقلابی تکمیل انقلاب است، خون شهیدان ما منتظر جواب است!

خیابان ها را پر کرده بود، صفوف مردم وقتی در مسیر راه پیمائی خود می رسیدند، متوقف می شدند، مشتها گره می شد و فریاد:

— امریکائی گمشو!

— مرگ بر کارتر!

نیرومند و خشمگین فشار می آید، نشان می دهند، مردان و زنان، بر سر راه پیمایان گل می ریختند و مردم بر سر لوله تفنگ پاسداران انقلاب گل می نشانند. دیوار های سفارت سراسر در شمار های ضد امریکائی فرق بود:

— یانکی گروم!

— مرگ بر امریکالیسم امریکا!

— امریکا نابود است!

— مستعمرات باد اتحاد خلق های ماحلی امریکالیسم خونخوار امریکا! — صفوف مردم، در مقابل سفارت امریکا جنایات جلادان و سوماهی — داران امریکائی را محکوم می کردند و آنگاه در حالیکه فریاد می زدند:

— یانکی گروم!

جمعیت طرف میدان ۱۷ شهریور می رفتند.

در برابر سفارت امریکا، رفیق صوفی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب کمیته مرکزی حزب سخنرانی کرد، و ضمن محکوم کردن دخالت گستاخانه امریکالیسم امریکا در امور داخلی ایران، گفت: مردم، انتظار دارند که تمام نیروهای راستین انقلابی، تمام احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی ملی و دمکراتیک و مترقی بسیج شوند و در یک جبهه متحد به مقابله با امریکالیسم تجاوزکار و غارتگر امریکا بپردازند.

رفیق صوفی تاکید کرد که:

تنها پاسخ درست و لازم به تهدید و تجاوز و دخالت امریکالیسم امریکا، عمل قاطع و متحد خلق انقلابی است.

جمعیت با شور انقلابی این خواست را تاکید می کرد. سپس قطعه نامه زیرین به تصویب رسید:

ما که برای اعتراض به دخالت گستاخانه امریکالیسم امریکا در امور داخلی ایران در اینجا گرد آمده ایم، خواست های خود را که خواست های خلق ایران است، شرح و تشریح می کنیم:

۱- ما خواهانیم که:

— کلیه قرارداد های نابرابر و اسارت بار با امریکا تجاوزکار و غارتگر، به ویژه قرارداد نظامی دو جانبه ایران و امریکا باید بدون درنگ لغو گردد.

۲- کلیه مستشاران نظامی امریکا باید از ایران اخراج گردند.

۳- توطئه های امریکالیسم امریکا و عمال صهیونیست و ساواکی آن باید افشا و سرکوب شود.

۴- دولت ایران باید در سیاست خارجی خود سیاست ضد امریکالیستی و سیاست عدم تصد فاعل و مثبت را در پیش گیرد.

۵- ما از دادگاه های انقلابی پشتیبانی و احکام صادره از جانب آنها را تأیید می کنیم و می طلبیم که این دادگاهها در ریشه کن ساختن عمال سیاه ساواک — موساد و پانامانگدان وابسته به رژیم شاه متلوع، به کار خود ادامه دهند.

۶- ما از دولت مفت می طلبیم که با تجویز همه نیرو های خلق پاسخ شایسته و دندان شکن به مذاخلات گستاخانه امریکا در امور داخلی ایران بدهد.



۷- ما از همه نیرو های ضد امریکالیستی و دمکراتیک ایران می طلبیم که برای مقابله پاتوقته ها، خرابکاری ها و تخریبات امریکالیسم، به سرکردگی امریکالیسم امریکا، و عمال ایرانی آنها متحد شوند.

ساعت هفدها ظهر میتینگ با این پیام آغاز شد:

ما در اینجا گرد آمده ایم که به جهانبیان اعلام کنیم که وقتی امام می فرماید ما رابطه با امریکا را می خواهیم چه کنیم، از زبان ملت صحت می کند که به پا خاسته، مبارزه کرده، شهید داده و توانسته خود را از لیس دستبده داخلی و استعمار خارجی رها کند....

در پیام های دیگری که از جانب گروه ها و سازمان های مختلف قرائت شد، امریکالیسم امریکا یکسره محکوم گردید.

زنان جامعه انقلاب اسلامی از جمله در پیام خود گفته بودند: امریکالیسم زخم خورده و مطلق نامشروعش صهیونیسم بین المللی که همواره در کنار همد دیگرار دستی از آستین حقوق بشر پدید آورده اند و برای قصاص جنایت کاران رژیم جلا دهنده پهلوی همچون دایه های دلسوز اشک ترسو و مرتضی ریزنند.

در پیام جامعه اسلامی دانشگاهیان آمده بود: ملت ما تحت رهبری امام عمال صهیونیست و امریکالیست را به سزایشان می رساند. ما قطعه نامه سنای امریکا را که مداخله و تعرض به استقلال ما بشمار می رود، محکوم می کنیم. —

غروب بود که سید خروشان جمعیت، میدان را با مشت های گروه کرده و فریاد:

— مرگ بر امریکا!

ترک کرد.

روژمنه نیز تظاهرات ضد امریکائی ادامه داشت که تفصیلاً آن بعداً به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

## امواج اعتراض علیه دخالت امریکالیسم امریکا در امور داخلی ایران

(گزارش های کلاکون از شهرستان ها رسیده)

در پی دخالت گستاخانه سنای امریکا در امور داخلی ایران، هزاران تن از مردم مبارز آنستار در مسجد جامع شهر اجتماع نمودند و پس از آسماج یک سخنرانی در زمینه ترویج جنگ تیلیانی امریکا، دست برآمدهائی در خیابانهای شهر زدند.

گروه مبارزان شهر آستارا، ضمن راه پیمائی، اعمال امریکالیسم صهیونیسم بین المللی را محکوم و با تأیید احکام دادگاههای انقلاب، طرح امریکا را به منظور اعتراض آتش زدند. راه پیمایان به حضور میسرود ناوگان امریکا در خلیج فارس شدت معرض بودند.

گروه سیاسی مبارزین خلق خواروار حرب نبوده ایران در آستارا نیز طی اعلامیه ای از مردم دعوت کردند تا برای اعتراض به تخریبات امریکالیسم امریکا و اظهارات اخیر سنای امریکا در مورد دادگاههای انقلابی، در مراسم شرکت کنند. پس از تجمیع و قرائت یکی از مقالات روزنامه مورد در تأیید احکام دادگاههای انقلاب، اعضای گروه دست راه پیمائی زدند. شمارها عسارت بود از، مرکز امریکالیسم امریکا مرکز امریکالیسم دادگاه انقلاب مورد تأیید ماست؛ مرکز بریکس و کلان؛

گروه سیاسی مبارزین خلق خواروار حرب نبوده ایران در آستارا نیز طی اعلامیه ای از مردم دعوت کردند تا برای اعتراض به تخریبات امریکالیسم امریکا و اظهارات اخیر سنای امریکا در مورد دادگاههای انقلابی، در مراسم شرکت کنند. پس از تجمیع و قرائت یکی از مقالات روزنامه مورد در تأیید احکام دادگاههای انقلاب، اعضای گروه دست راه پیمائی زدند. شمارها عسارت بود از، مرکز امریکالیسم امریکا مرکز امریکالیسم دادگاه انقلاب مورد تأیید ماست؛ مرکز بریکس و کلان؛

گروه سیاسی مبارزین خلق خواروار حرب نبوده ایران در آستارا نیز طی اعلامیه ای از مردم دعوت کردند تا برای اعتراض به تخریبات امریکالیسم امریکا و اظهارات اخیر سنای امریکا در مورد دادگاههای انقلابی، در مراسم شرکت کنند. پس از تجمیع و قرائت یکی از مقالات روزنامه مورد در تأیید احکام دادگاههای انقلاب، اعضای گروه دست راه پیمائی زدند. شمارها عسارت بود از، مرکز امریکالیسم امریکا مرکز امریکالیسم دادگاه انقلاب مورد تأیید ماست؛ مرکز بریکس و کلان؛

گروه سیاسی مبارزین خلق خواروار حرب نبوده ایران در آستارا نیز طی اعلامیه ای از مردم دعوت کردند تا برای اعتراض به تخریبات امریکالیسم امریکا و اظهارات اخیر سنای امریکا در مورد دادگاههای انقلابی، در مراسم شرکت کنند. پس از تجمیع و قرائت یکی از مقالات روزنامه مورد در تأیید احکام دادگاههای انقلاب، اعضای گروه دست راه پیمائی زدند. شمارها عسارت بود از، مرکز امریکالیسم امریکا مرکز امریکالیسم دادگاه انقلاب مورد تأیید ماست؛ مرکز بریکس و کلان؛

روز شنبه ۵ خرداد ۵۸۳۳، ساعت هفدها ظهر، بیش از سه هزار تن از کلانگران و کادگان دواب آهن اسفهان از ابداء خیابان حکیم نظامی طرف پل فلزی و کسولگری امریکا شروع به راه پیمائی کردند این راه پیمائی که برای اعتراض به دخالت گستاخانه امریکا در امور داخلی ایران ترتیب داده شده بود، از جمله زیر شعارهای زیرین انجام گرفت:

— از امریکائی غارتگر و مزدختم انتظار دیگری نداریم.

— امریکا را محکوم کرده پشتیبانی خود را از دادگاههای انقلابی اعلام می داریم.

— امریکالیسم جهانی بصر کردگی امریکا دشمن خلق ایران است.

— تا بنیادهای اساسی امریکالیسم نابود نشود فرهنگ امریکالیسمی از بین نرود.

— امریکالیسم امریکا بزرگترین خطر برای ایران محسوب می شود.

— ما رابطه با امریکائی را می خواهیم چه کنیم.

— با اعدام هر یک از جلادان رژیم گذشته بانی از هزارای ضد انقلاب را قطع کرده ایم.

## «مردم» شما

فلور بیش از چند شهاری از مردم به انتقاد نگاه که مردمی که آن را صادق بخود می دانند، به آدرس ما نامه های متعددی می فرستند نظریات اصلاحی، انقلابی و پیشنهادهای خود را می نویسند، پرسش های را طرح می کنند و گاه مطالبی را برای ارسال می فرستند. «مردم» ما مال ضمت و بدین است که پس از این نخستین شماره های خود، چندین سون های این مطلق است خوانندگان را باز کند، از این پس در سون خوانندگان مردم می نویسد. ما نوشته ها و نظریات شما را متنکی می کنیم و در سون «پرسشها و پاسخها» به سوالات شما به طور خلاصه پاسخ می دهیم.

درخواست ما اینست که: مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسید.

نوشته ها بر روی یک طرف کاغذ باشد. اگر میل دارید نام شما در روزنامه آید خود حتما در نامه متذکر شوید. اخباری را که می فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در سونهای جداگانه متنکی خواهد شد.

بهترین تحریر به اجازه دهید که حق گوناگون مطالب وارده و یا انتقاد اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

علاوه بر ارسال نامه به سوسیه پست اگر میل دارید می توانید مستقیماً نامه های خود را به نشانی زیر در تهران، خیابان ۱۶۰۲ پارس، پلاک ۶۸ در صندوق ویژه ۱۰۰۰، بکار در ورودی بیاورید.

### به فشارها و تعقیبها ...

ما مطمئن داریم که احزاب کمونیست و کلانگری برادرسازانهای همکارانک و مترقی سراسر جهان مبارزه در راه همبستگی را از پیش خواهند داد و قطع قوی فشار و تعقیبات را بر ضد کمونیست و رضای سراقی شان طلب خواهند کرد.

در ۵۸۳۳، حزب ما وفادار به یهود تا گسستن برادرسازانهای که همواره بین حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق وجود داشته است، اینک، در شرایط دشواری که برای فعالیت حزب کمونیست عراق پیش آمده، ضمن اعتراض شدید به مناسبت فشار و تعقیب حزب بشت دولت عراق علیه حزب کمونیست عراق، بار دیگر و دو کاه همبستگی خود را با حزب کمونیست عراق ابراز می داریم و از همه نیروهای، دمکراتیک و مترقی ایران نیز می طلبیم که در اعلام این اعتراض و دوا را از این همبستگی شرکت کنند.

ما با خود اتحاد و همبستگی با تمام مبارزان و کارمندان ذوب آهن در طول راه پیمائی به طور متناوب و با سموع فشرده و با اضیاط خاص خود حرکت می کردند و شمارها بطور منتهی یکسره تکرار می شد. آنها در مقابل کسولگری امریکائی توقف کردند و یکسره فریاد میزدند، مرگ بر امریکائی!

پس از سخنرانی یکی از روحانیون قطعه نامه پایا راه پیمائی توسط یکی از کلانگران قرائت شد.

قسمتهای از این قطعه نامه چنین بود:

— سنای صهیونیستی امریکا استعمار کننده کشورهای جهان سوم است.

— ما حضور ناوگان امریکا در خلیج فارس را محکوم می کنیم و با چنگ و دندان از وطن مان دفاع خواهیم کرد.

— ما وقتی از خطرس امریکالیسم امریکا بر کنار خواهیم شد، که از خود کفای می بخوردار شویم.

# فرار دادهای اسارت آور ایران با امریکا و سایر کشورهای امپریالیستی باید بدون درنگ لغو شود

## دویست فقره قرارداد با شرکت امریکائی هلیکوپترسازی «بل» نمونه‌ای از این اسارت و غارت است

یک‌کاز مسائل مهم مورد بحث صاحب-نظران و محافل فکری و دمکراتیک در روزهای اخیر، تعیین سرنوشت فرار-داد های است که رژیم دست نشانده سابق پادول امپریالیستی منهدم ساخته است. بنا به اعتراض مقامات رسمی، تعداد این گونه قراردادهای فقط با امریکا، از هزار فقره تجاوز می‌کند.

ولی این مقامات هنوز درباره تعداد قراردادهای منهدم بین رژیم مخلوع با دیگر دول و انحصارهای چند ملی کشورهایی نظیر ژاپن، فرانسه، آلمان غربی، انگلستان و غیره هیچ گونه اطلاعی در دسترس مردم نگذاشته‌اند. وانگهی هنوز مردم ایران از مفاد و چگونگی این قراردادهای بی‌خبرند. مردم ایران حق دارند بپرسند، به چه علت دولت موقت در الفای این قراردادهای که خواست همه نیروهای شرکت کننده در انقلاب و رهبر انقلاب است، تعلل می‌ورزد؟ می‌گویند الفای این قراردادها نیاز به مطالعه و بررسی دارد تا بدینسان بتوان دیده را از «خوب» تمیز داد. و همین کرد که کدام یک از آن‌ها به ضرر منافع ملی است و کدام یک سود آن، به نظر ما چنین توضیحی قانع کننده نیست. خلق‌های میهن ما در یک نبرد خونین علیه رژیمی از بیخ و بن فاسد و دست نشانده، دهها هزار شهید دادند تا خود تعیین سرنوشت خویش را به عهده گیرند. برای همگان روشن است که لایه تیز نبرد حماسه آفرین توده‌های خلق، که تحسین دوست و دشمن را در سراسر جهان برانگیخت منسوجه خشک و ایستکی و دست نشانده‌گی رژیم محمدرضا پهلوی بود. همان رژیم بود که میهن ما را عملاً به مستعمره انحصاری های چند ملیتی و ایالات متحده امریکا و دزد درجه اول تبدیل شده امریکا

تبدیل کرده بود. اگر این اصل مسلم و انکار ناپذیر مورد قبول مقامات دولتی است پس منطقی می‌باید مضمون و محتوی این قراردادها، از طریق رسانه‌های گروهی، در معرض ضلالت عام قرار گیرد.

رژیم مخلوع با تمام قوا می‌گویند که محتوی و مواد قراردادهای منهدم را حتی المقدور از افکار پنهان دارد. اتخاذ چنین سیاستی از جانب رژیم سابق برای همگان معلوم بود. زیرا محتوی این قراردادها سند محکومیت رژیم بود که امپریالیسم امریکا، به زور سرنیزه، به خلق‌های مستعبد شده ایران تحویل کرده‌بود. ولی ادامه چنین سیاستی برارنده دولت ناشی از انقلاب نیست و نمی‌تواند باشد.

ما برآنیم که قراردادهای امضاء شده بین رژیم مخلوع و انحصارها و دول امپریالیستی، نه تنها به سود مردم میهن ما نیست، بلکه راه کثکف وهم مجموعه آن‌ها، ناقص حق حاکمیت ایران و اهرمی برای حفظ و تعمیق همه جانبه وابستگی ایران بوده است.

چندی پیش، مطبوعات خارجی سواد برخی از قراردادهای به اصطلاح اسلحه‌سازی امریکا را منتشر ساختند. مطالعه حتی این مدارک ناقص، عمق خیانت رژیم مخلوع محمدرضا پهلوی را به مصالح ملی، آشکار می‌سازد. ما در اینجا فقط برخی مواد قراردادهای عهده امضا شده، با شرکت امریکائی هلیکوپتر سازی «بل» را، که تعداد آن‌ها به دویست فقره می‌رسد، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

این قراردادهای، که شامل خرید هلیکوپتر، وسائل یدکی و آموزشی،

# چرا طرح قانون اساسی را منتشر نمی‌کنید؟

## تاخیر در انتشار این طرح به انقلاب کمک نمی‌کند

معدتها است که مسئله تدوین و انتشار طرح قانون اساسی در محیط سیاسی سراسری ایران مطرح است. مدتها است می‌شنویم که این طرح آماده شده و بروی انتشار می‌رود و در معرض بررسی صاحب نظران و اظهار نظر مردم قرار می‌گیرد. بارها مطالبی تحت عنوان این و آن تست از طرح قانون اساسی انتشار یافته و بعداً سکوت مانده و در وقت موقت جمهوری اسلامی، که تسوئلت انجام این کار را به عهده دارد، نه آن‌ها را تأیید و نه تکذیب کرده است. در حالی که تمام مردم، احزاب و سازمانها و گروه‌هایی که، در این و آن جهت، تکران سرنوشت انقلابانده، با بی‌صبری و تشکیلی درست و بهیچ در انتظار انتشار این طرح‌اند.

مردم سبب ما با انتشار خون‌های فراوان نخستین مرحله انقلاب را سامان رسانیده‌اند. نبرد قهرمانانه و فداکارانه مردم، طوفان حیات یکی از فاسترین، جبارترین و خائن‌ترین دستگاه‌های جور و بیادار را بهم دروردید و به همراه سرکون ساختن سلطنت تکلیف دودمان پهلوی، اساساً به تسلط فزونی سلطنت در ایران نقطه پایان گذاشت. مردم سبب ما با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رای موافق دادند و راه هرگونه بازگشت سلطنت‌تراه، تا آنجا که مربوط به آنها بود مسدود کردند خلاصه آنکه مردم انقلابی میهن ما وظایف خویش را نسبت به انقلاب انجام دادند و از اینرو جای کله و رشک‌های برای هیچ مقامی باقی نمانده است.

اینک با مسائلی جوهر و هویتیه که حل آن‌ها و انجام آن‌ها، جزء وظایف مستقیم دولت موقت جمهوری اسلامی است. این عهده دولت است که با نحوه عملی منطبق با روح انقلاب ایران و بدون امروز و فردا کردن، بدون سهل انگاری و مامله، به نوبه خود، وظایفی را که نسبت به انقلاب در پیش دارد، به سر-انجام مطلوب خود برساند.

در سلسله این اقدامات اساسی و اصولی، تدوین طرح قانون اساسی جمهوری اسلامی فراد دارد. در این طرح است که می‌بایست جهت درست تکامل انقلاب روشن شود. در اینجا است که دولت باید از افکار عمومی مردم و صاحب نظران، در تحکیم اساسی جمهوری اسلامی کمک بخواهد. چنین قانونی، که باید سرنوشت انقلاب و راه آینده آنرا در جهت صحیح و منطبق بر سالیق و مصالح اکثریت قاطع مردم زحمتکش تعیین نماید، نمی‌تواند و نباید در دست اقلان‌های در بسته آماده شود، و نمی‌تواند و نباید امکان اظهار نظر همه جانبه در-باز آنرا از جانب مردم به علت کمی وقت محدود سازد. نمی‌تواند و نباید انتشار و اظهار نظر درباره آن به تأخیر افتد. در این صورت قانون اساسی که

تکته دیگر این است که، بررسی همه جانبه این طرح تنها بعد از انتشار آن و گذاردن آن به معرض افکار و انتقاد عمومی امکان پذیر است. محض اجتنابی ما یک محیط در بسته نیست. جامعه ایران صلاحیت و حق آنرا دارد که در جریان بررسی طرح قانون اساسی قرار بگیرد و چه بسا نکاتی که ممکن است سال‌ها به نظر معدود افراد دست-اندر کار نرسد، با مراجعه به افکار و آراء عمومی، خیلی زودتر و سریع‌تر حل و فصل شود.

تکته آخر و عمده آن که، تأخیر در تدوین و انتشار طرح قانون اساسی، چه بخواهد وجه نتواند، به سود ضد انقلاب تمام می‌شود. ضد انقلاب در تمام موارد نظیر، فرصت طلایی را برای شریک زدن، در جریان پلاتکلیف‌ها می‌جوید. ضد انقلاب برای وارد آوردن شریک، از بره زمان «موقت»، دهها بار پیش می‌تواند استفاده کند، تا آنکه که دولتی، منبری یک قانون اساسی نوین، مصوب یک مجلس موسسان، زمام کار را به عهده گرفته باشد.

این را تنها با نامی گوئیم. تا کیم مکرر اعلام خصیته برای تدوین و انتشار طرح قانون اساسی جدید نیز ناظر به همین واقعیت است. و این جزء نخستین وظایف اساسی دولت موقت است که با انتشار طرح قانون اساسی، با تدوین مجلس موسسان و تصویب رسائیت این طرح، زمینه ایجاد یک دولت مقتدر شکر برخواست توده‌های مردم را فراهم سازد. مردم وظایف نخستین خود را در انجام انقلاب انجام داده‌اند و آماده‌اند که وظایف دیگر خود را در زمینه تحکیم دستاوردهای انقلاب، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اظهار نظر درباره قانون اساسی جدید با تصویب آنست، نیز انجام دهند. این دیگر وظیفه دولت است که طرح قانون اساسی جدید را هرچه زودتر در دست فر، تصوات افکار عمومی قرار دهد.

آنچه بیش از پیش برده از خیانت رژیم مخلوع بر می‌آید، نوع هلیکوپتر-های فروخته شده به ایران است. اکثر هلیکوپترهای جدید برای تخسین بار در ایران مورد آزمایش قرار گرفته و پس از بروز نواقص عهده، با هزینه دولت ایران سعی در برطرف ساختن آن‌ها به عمل آمده که اکثر آن نیز با عدم موفقیت روبرو گردیده است.

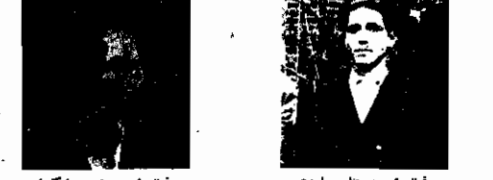
بدین سان هلیکوپترهای پول مردم مستعبد صرف «تایوت‌های پسرند» شده، که جان هزاران خلبان ایرانی را در معرض خطر قرار می‌دهد.

می‌گویند مشت نمونه خروار است. نمونه قراردادهای منهدم با کمپانی «بل» عطفت خیانتی را که به مصالح ملی ایران شده، به طرز بارزی عیان می‌سازد. این قراردادهای، که اهرم عمده وابستگی و تقادوم وابستگی اقتصادی، نظامی و سیاسی به فشار می‌روند، بدون درنگ باید لغو گردند.

## یادگارهائی از شهیدان رشت

در شماره ۱۵ «مردم» خاطره ۵ تن شهیدان رشت، رفقا محمد تقی اقدام دوست و علی یلندی و سیزلی مصدور مسالی و هرمز نیک‌راه و محمدتج‌خواهرش را گرامی داشتیم و شمارا با جریان بزرگ داشت این توده‌ها مقاوم، که در زندان رشت شهید شده، آشنا کردیم. همان موقع درخواست کردیم که اگر دوستانی عکس‌هایی از این شهیدان و مربوط به واقعه دارند، برای ما بفرستند. پاسخ به «مردم» به سرعت رسید و امروز ما می‌توانیم عکس رفیق شهید هرمز نیک‌راه و رفیق شهید علی یلندی و هم چنین عکسی که پیکر بی‌جان شهید سیزلی مصدور علی یلندی و محمد تقی اقدام دوست را در مجله زندان، بلافاصله پس از پوشش جینتیکاران‌شاه خائن نشان می‌دهد چاپ کنیم. علاوه دو عکس از مراسم روز - بزرگداشت را که در گورستان تازه آباد رشت برداشته شده چاپ می‌کنیم. اضافه می‌نمائیم که یک سری عکس‌های رنگی، که دوستان از این مراسم برداشته برای ما فرستاده‌اند، به نمایشگاه شهیدان راه آزادی و استقلال واقع در دانشگاه صنعتی تهران (که بعد از ظهر ها تا ۱۵ خرداد ادامه دارد) تقدیم شد.

از رفقا و دوستان ارجمندی که این عکس‌ها، به ویژه عکس‌های ۲۵ سال پیش رفقای شهید را برای «مردم» فرستاده‌اند رقتانه سپاسگزار می‌کنیم.



رفیق شهید هرمز نیک‌راه



رفیق شهید علی یلندی



پیکر رفقای شهید: سبز علی محمد پور (بالا دست راست)، محمد تقی اقدام دوست (بالا دست چپ)، علی یلندی (پایین) پس از شهادت در مجله زندان رشت



مجلسه ای از مراسم بزرگداشت ۵ شهید تودائی در رشت

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هوطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سال مبارزه در شرایط دشوار منفی فعالیت عتی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم می‌آید که لیست «آکون وظایف سنگینی در مبارزه باخطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب فرار حزب، ایجاد این وظایف ازجمله تقویت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. لذا کارهای استقامت، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گشته غرور انگیز است. آکون نیز ما امیدواریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروی قلبی و فطری انقلاب ایران مسافانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلی: ۴۴۲۲۸۸ - ۴۴۲۲۵۵ - آژادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک نامه خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌تواند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بفرستند:

حساب بانکی به نام تلی گیتی و به شماره ۴۴۲۲ - شعبه ۴۶۸ بانک ملی ایران، (شعبه هاشم‌عالم‌موسوی)، خیابان شهید کورخسین لاهی (ایران نوین سابق).

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق